

قسمت اول

دکتر سیدعلی اکبر حسینی، مؤبدانشگاه شیراز

جوانان و نوجوانان از دیدگاه اسلام

بحثی مقدماتی پیرامون حقوق طبیعی

«مقدمه»

سومین سمپوزیوم دانشگاه تربیت نوجوان و جوان در ۱۴-۱۲ آبان ماه سال جاری

برگزار شد. آنچه در حواله‌های زیر ملاحظه فرمایید این سمپوزیوم است.

هوالمذی خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقه ثم یخرجکم طفلاً ثم لتبلغوا اشدکم ثم لتکونوا شیوخاً و منکم من یتوفی من قبل و لتبلغوا اجلاً مسمى و لعلکم تعقلون (سوره انفاسه ۶۷)

بحث از جوانی و نوجوانی بحثی تازه نیست. این بحث به اندازه تاریخ کهن است و به پهنه محتوای کتب درسی دانشگاهی تازه و نو خواهد ماند. کهن بودن آن از آن روست که بیش از ۲۵۰۰ سال قبل ارسطو در این مسأله سخن گفته و یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌ها در این باب از آن اوست. نیز از آن جهت بدیع و تازه است که بسیاری از پژوهشهایی که در این باره انجام شده و یا در حال انجام است زمینه مناسب را برای عرضه آخرین نظرگاهها و دیدگاهها در کتب درسی دانشگاهی فراهم خواهد آورد.

علی‌رغم این سابقه طولانی و همه‌عناصرتی که عالمان، اندیشه‌وران، والدین، روان‌شناسان، کارگزاران دولتی، و مجموعه نیروهای اجتماعی و فرهنگی بدین مسأله داشته و دارند هنوز مسائل لاینحل فراوانی در این باب وجود دارد و مثلاً این مسأله که نوجوانی و جوانی از لحاظ سنین عمر چه زمانی را دربر می‌گیرد از آن جمله است. لذا برخی از روان‌شناسان از دوران نوجوانی و جوانی به عنوان دوران «انتقالی» یاد کرده و گذر از کودکی که به بزرگسالی را دوران جوانی و نوجوانی نامیده‌اند، برطبق این نظر، دوران مذکور دارای یک سابقه و یک لاحق است. که سابقه آن دوران کودکی و لاحق آن دوران بزرگسالی می‌باشد و آنچه بین این دو قطب قرار گیرد دوران نوجوانی و جوانی را دربر می‌گیرد.

در قرآن کریم از مسأله جوانی و نوجوانی، و یا بلوغ، به صورت دوره‌ای متمایز، و یا مرحله‌ای از مراحل چندگانه، حیات انسانی، یاد شده است و همان‌قسم که از آیه صدرمقاله بر می‌آید این دوران با برآمدن دوره کودکی آغاز و با طلیعه دوره بزرگسالی پایان می‌یابد. این سخن بدین معنی است که اولاً از میان دو جریان مسلط فکری موجود در روان‌شناسی رشد، دایر بر «بیوستگی» و یا «عدم بیوستگی» این بدیده^۱، قرآن کریم به نظر دوم عنایت دارد و، به عبارت دیگر، مسأله عدم بیوستگی و یا مرحله‌ای بودن رشد را عنوان می‌کند. بر پایه این بیان، دوران نوجوانی و جوانی، در مقایسه با دیگر دورانها،

* تمایل به آزادی و حریت با سرشت نوجوان و جوان آمیخته شده و یکی از مطبوع‌ترین و گوارترین تمایلات طبیعی او است.

لایفک عقل و خرد انسانی دانسته و نقش هر گونه اراده فوق طبیعی را در آن به دست فراموشی یا انکار سپرده‌اند. اما در مذهب امامیه حقوق فطری و طبیعی تحت عنوان «مستقلات عقلیه» مورد بحث قرار گرفته و در توجیه آن گفته شده است که آرزو و اعتبار احکام عقلی به لحاظ بدیهی و با ضروری بودن آنها نیست بلکه به دلیل کاشفیت عقل از حکم شارع می‌باشد و این در واقع استناد به همان قاعده ملازمه است که کلما حکم به الشرع حکم به العقل و کلما حکم به العقل حکم به الشرع - هر آنچه را که عقل بدان حکم کند شرع نیز حکم می‌کند و هر آنچه را که شرع فرمان دهد عقل نیز دارای همان فرمان است.^۱ هر چند که ارائه یک فهرست کامل از حقوق طبیعی نوجوانان و جوانان از دیدگاه اسلام نیاز به یک تحقیق جامع و گسترده دارد شاید کاربرد گروه با تجارب و تخصصهای متفاوت باشد تا کاربرد فرد. معذالک به عنوان فتح باب مواردی از این حقوق فطری و طبیعی ذیلاً شناسایی و پیرامون هر یک به ارائه توضیحاتی مختصر مبادرت می‌شود:

الف - حق آموزش و تربیت

امام علی علیه السلام در بحث از حقوق متقابل دولت و مردم اشاره‌ای بسیار بلیغ و رسا بدین حق دارند:

اینا للناس ان لی علیکم حقاً ولکم علی حق. فاما حقکم علی فالنصیحة لکم. وتوفیر فیئکم، وتعلیمکم کی لا تجهلوا، و تأدیبکم کی ماتعلموا. واما حقی علیکم فالوفاء بالبیعة. والنصیحة فی المشهد والمغیب، والاجابة حین ادعوکم، والطاعة حین آمرکم.^۲

هان ای مردم مرا بر شما حقی و شما را نیز از من حقی دیگر بر گردن است. اما حق شما بر من آن است که موعظه‌گر و خیرخواه شما باشم. در تنظیم مسائل اقتصادی شما بکوشم. به شما آموزش دهم تا از نادانی و بی‌دانشی نجات پیدا کنید و به تربیت و والایش روحی شما همت گمارم تا به قلّه کمال انسانی دست یابید. و اما حق من بر شما آن است که به عهد و بیعت خود وفادار بمانید. در خلوت و جلوت خیرخواه باشم. دعوت‌ها و رهنمودهایم را بپذیرید. و از فرامین و دستوراتم تخلف نکنید.

۱- بر طبق این بیان متعالی آموزش و تحصیل. حق مسلم هر

دارای ویژگی و مسائل خاص خود می‌باشد که بروز دلهره‌ها، طغیان‌ها، دودلی‌ها، و بی‌ثباتی‌ها، و به تعبیر پیامبر بزرگ اسلام (ص) و جانشین شایسته‌اش امام علی بن ابی طالب (ع)، «پوشیدگی‌ها»، و «سردرد گمی‌ها»^۲ و یا «مستی‌ها»^۳ نشان از آن دارند.

و ثانیاً آنکه در مسأله بلوغ کمال جسمی و عقلی با هم مورد عنایت اند و نه یکی بدون دیگری. زیرا در آیه یاد شده و آیاتی دیگر، از جمله آیه پنجم از سوره حج و آیه ۱۵۲ از سوره انعام، واژه بلوغ وصف. یا قید «أشد» را دارد که به عقیده علامه طباطبائی، به معنی حضور هر یک از این دو جنبه است.^۴ بدین سان به دو معنی یا مقوله از بلوغ می‌توان اشاره کرد که در یکی تنها سن معینی در هر یک از دو جنس، و یا ظهور علائم ثانویه جنسی، مناط و ملاک است و در دیگری، علاوه بر این، از آمادگی عقلانی و عاطفی نیز سخن به میان می‌آید و در بیان مفهومی آن از اصطلاح «رشد» بهره گرفته می‌شود؛ و استلوا الیتمای حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم.^۵ این تفکیک در واقع منشأ برخورد متفاوت فقها به مسأله بوده است. بدین معنی که در فصول مربوط به احکام عبادات، و برخی از موارد مربوط به قصاص و دیات، بلوغ در مفهوم احراز سنی معینی و یا بروز علائم ثانویه جنسی را کافی می‌دانند ولیکن در مسائلی همچون تصرف در اموال، اقرار، ادای شهادت، ازدواج، و... تنها بلوغ سنی و جنسی را کافی نمی‌دانند بلکه شرط رشد را، که به معنی آمادگی عقلانی و عاطفی است، نیز اضافه می‌کنند.^۶

با توجه بدین مقدمات وارد بررسی حقوق طبیعی نوجوانان و جوانان از دیدگاه اسلام می‌شویم و پس از نگاهی گذرا و اجمالی به مفهوم حقوق طبیعی مطلب را دنبال می‌کنیم. اصطلاح حقوق طبیعی یا فطری، که معمولاً در برابر حقوق موضوعه و یا قواعد حقوق بکار برده می‌شود، دارای معنا و مبنای یکسانی نیست و متناسب با اصول زیربنایی هر مکتب حقوقی تغییر می‌کند. با این همه می‌بینیم که گروهی این دسته از حقوق را بر قواعد ثابتی اطلاق کرده‌اند که برتر از اراده حکومتها و غایت مطلوب آدمیان است.^۷ گروهی دیگر اراده خداوند را در آنها دخیل دانسته و از خلل ناپذیر بودن و با ثبات و دوام آنها سخن به میان آورده‌اند. و برخی دیگر آنها از محصول

* مهمترین مطالبی که جوانان باید فراگیرند خواهند بود.

مطالبی است که در بزرگسالی بدانها نیازمند

کسی علیه دیگری حقی قرار داده شده علیه او به نفع دیگری نیز حقی در نظر گرفته شده است. این سخن در کلام والای امام علیه السلام با وضوح هر چه بیشتر بیان شده است. زیرا امام می فرماید اگر مردم وظیفه فرمانبری از زمامدار را دارند زمامدار نیز موظف است صلاح و مصلحت مردم را بر همه چیز مقدم بدارد و جانب انصاف و حق را. علی رغم آن که «فراختنای حق به هنگام گفتار و توصیف بسیار زیاد و به هنگام عمل و رعایت آن بسیار محدود و تنگ است». مرعی دارد - الحق اوسع الاشياء فی التواصف و اضعفها فی التناصف لاجری لاحد الاجری علیه^{۱۳}...

تقابل حق در ارتباط با آموزش مستلزم بحث گسترده تری است که از آن در می گذریم و به عنوان نمونه به یکی دورهنمود از مولای متقیان امام علی علیه السلام بسنده می کنیم: ۱- اولی الاشیا ان تعلمها الاحداث الاشياء التی اذا صاور رجلاً احتاجوا اليها-مهمترین مطالبی که جوانان باید فراگیرند مطالبی است که در بزرگسالی بدانها نیازمند خواهند بود ۲- العلم اکثر من ان يحاط به فخذوا من كل علم احسنه-دانش هافرتر از آنند که بتوان بر همه آنها وقوف یافت پس بهترینهای از هر علم را فرا گیرید. و ۳- من اكثر الفكر فيما تعلم اتقن علمه و فهمه ما لم يكن يفهم - کسی که در آموخته های خودش بندیشد به دانشی استوار دست می یابد و بر فهم خود در بجه های تازه ای می گشاید. ۴- آموزش و پرورش یک حق مطلق و مستمر نسبت و حداقل آموزش عالی را نمی توان در مقوله حقوق طبیعی جای داد. آموزش عالی بیشتر یک «امتیاز» است تا حق - امتیاز برای کسانی که واجد حداقلی از صلاحیتهای لازم باشند بدان سان که در بهره گیری از این نوع آموزش دچار اشکال شوند و بازدهی مطلوبی را نیز ارمغان جامعه کنند.

ب - حق آزادی

آزادی یکی از بزرگترین نعمتهای الهی و طبیعی ترین حق آدمی است. در این باره بنانی رساترو گویند از این سخن ژرف مولی الموحدين علی علیه السلام سراغ نداریم. که می فرماید: ولا تكن عبد غيرك وقد جعلك الله حراً - بیرهیز از اینکه بنده دیگری باشی زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است. جرج جرداق در کتاب ارزشمند الامام علی برای آزادی. آنچنان که

جوان و نوجوان است و دولت مکلف است امکانات و وسائل آن را فراهم نماید. به این حق در اصل سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است و در ماده ۱ قانون تأمین وسائل و امکانات اطفال و جوانان ایرانی آمده است که: «کلیه اطفال و جوانان ایرانی که واجد شرایط تحصیلی می باشند باید بدون هیچگونه مانعی به تحصیل بپردازند و هیچکس نمی تواند آنان را از تحصیل باز دارد...»^{۱۱} بر طبق ماده ۲ و ۴ همین قانون در صورت امتناع والدین و یا اولیای قانونی از انجام این وظیفه وزارت آموزش و پرورش رأساً این مهم را بر عهده می گیرد و مراجع قضایی موظفند تا موارد تخلف را خارج از نوبت رسیدگی و مجازاتهای تعیین شده را. که شامل جریمه نقدی و حبس تأدیبی می باشد. به اجرا در آورند. هر چند که قانون مزبور. علی رغم تصویب آن در مرداد سال ۱۳۵۳. در حال حاضر نیز از اعتبار قانونی برخوردار می باشد اما تا کنون بدان عمل نشده است و جای آن است که این قانون به اجرا درآید و یا آن که مجلس شورای اسلامی قوانین دیگری را تصویب و دولت را به اجرای آنها موظف نماید.

۲- آموزش و پرورش در تحلیل نهایی از یکسویه بعد شناختی و معرفتی و از سوی دیگر به بعد تعالی روح و کمال انسانی عنایت دارد و این هر دو در کلام بلند امام (ع). که قبلاً نقل شد. به نمودی بنّ و آشکار رسیده است: «به شما آموزش دهم تا از نادانی و بی دانسی نجات پیدا کنید و به تربیت و الایش روحی شما همت گذارم تا به ذروه کمال انسانی دست یابید». ابو حامد محمد غزالی در تقسیم بندی موضوعی آیات قرآن بر آن است که حدود ۷۵۰ آیه از قرآن کریم به اهمیت علم و دانش اختصاص یافته و حدود ۷۵۰ آیه دیگر از ارشاد افراد به کسب فضائل و مکارم اخلاقی سخن به میان آورده اند. به نظر او مجموع این دو مقوله که حدود یک چهارم آیات قرآن را دربر می گیرند جوهر اساس. و یا «هسته» تعالیم این کتاب آسمانی است و حدود سه چهارم آیه های باقیمانده پوشش و یا «قشری» هستند بر این هسته.^{۱۲} با این همه آموزش و پرورش جوانان و نوجوانان به صورت یک حق در چنین معنا و مفهومی قابل درک است و دولت و مسئولان در قبال تأدیه چنین حقی مسئولیت دارند.

۳- در نظام حقوقی اسلام حق طرفینی است و اگر به نفع

* برخی از روان‌شناسان از دوران نوجوانی و جوانی به عنوان دوران «انتقالی» یاد کرده و گذر از کودکی به بزرگسالی را دوران جوانی و نوجوانی نامیده‌اند.

خانوادگی. بدست آورد. زیرا آزادی بدون مسئولیت چیزی جز غوطه‌ور شدن در ورطه سرگشتگی و گمگشتگی نخواهد بود و استقلال صرف بدون حفظ روابط خانوادگی و اجتماعی امری غیر ممکن و حتی محال خواهد بود. از آنجا که بنا بر اختصار است لذا در این باره به همین اندازه بسنده می‌شود و تنها برای نکته تاکید می‌نماید که اگر قصور و یا تقصیرهایی در مراحل قبلی، یعنی دوران کودکی و به طور کلی دورانهای قبل از نوجوانی، رخ داده باشد در این صورت در استیفای حق فوق تردید فراوان خواهد بود. اگر تکالیف و وظایفی که والدین و جامعه در برابر صاحبان حق در دوران خردسالی و حتی قبل از آن دارند انجام ندهند مسلماً مسأله فوق نیز با مشکلات و پیچیدگی‌های فراوانی روبرو خواهد شد و بسیاری از بحران‌های جوانی و نوجوانی را به دنبال خواهد داشت. حال این وظایف و تکالیف کدامند خود بحث مستقل دیگری است که در جایی دیگر باید مطرح گردد.^{۱۱}

• بی‌نوشتا:

- ۱- حسدی، سیداحمد. روان‌سازسی نوجوانان و جوانان. انتشارات رودکی، ۱۳۶۹. صص ۲۱-۱۹.
- ۲- النساء تبعه من الجنون - بحار النور مجلس. جلد ۱۷، ص ۴۹.
- ۳- اصناف السكر اربعة سكر الشب و سكر لسان و سكر المود و سكر الملک - بحف العنقون ابن شعبه حرانی، ص ۱۲۶.
- ۴- موسوی همدانی، سید محمد باقر. ترجمه تفسیر المیزان جلد ۱۴، ص ۳۵۹.
- ۵- سوره نسا، ۶۷.
- ۶- به منبع فوق و همین فقهی و با رساله‌های عقلی مراجعه شود.
- ۷- حسینی، سیدعلی اکبر. «رابطه عقل و تربیت با حقوق» مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه سبز، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، تابستان ۱۳۷۰-۱۳۷۱، صص ۲۱-۴۶.
- ۸- کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران. حاب افان، ۱۳۶۵ نوبت پنجم، صص ۸-۱۰.
- ۹- در کتاب فرائض الاصول تألیف محقق فسی حلد دوه صفحه یک به بعد مراجعه فرمائید.
- ۱۰- فیض الاسلام، سید علی نقی. شرح و ترجمه تفسیر البلاغه، خطه ۳۴، ص ۱۱۴.
- ۱۱- عنادی، شیرین. حقوق کودک: نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران. حلد اول حاب روزنامه رسمی، بدون تاریخ، صص ۱۰۴-۱۰۵.
- ۱۲- حسینی، سیدعلی اکبر. تفکر خلاق: هدف عالی علم و تربیت. انتشارات دانشگاه سبز، ۱۳۴۸، ص ۱۴۵.
- ۱۳- عنادی، شیخ محمد. شرح تفسیر البلاغه، خطه ۲۱۱.
- ۱۴- فلسفی، محمدتقی. حوان از نظر عقل و احساسات. حلد دوم، نشر معارف اسلامی، ۱۳۵۳، صص ۴۰۱-۴۱۲.
- ۱۵- فیض الاسلام، سیدعلی نقی شرح و ترجمه تفسیر البلاغه، ص ۹۲۹.
- ۱۶- جرداق، جورج. الامام علی (ع). حلد ۱، ص ۱۷۴.
- ۱۷- به منبع شماره ۷ مراجعه شود.

در این کلام بکار برده شده است. سه ویژگی زیر را بر می‌شمارد: ۱- جامعیت و شمول مفهوم بدان سان که نه تنها آزادی از بند رقیبت که آزادی ذهن و روح، و گفتار و کردار را نیز پوشش خود می‌گیرد. ۲- روی سخن امام با برده داران زمان خود نبوده است بلکه مورد خطاب آن حضرت همه کسانی هستند که از این حق مسلم محروم می‌شوند و یا به وسیله فرد یا گروهی از همسوعان آنان دستخوش تطاول قرار می‌گیرند. امام (ع) بر آن است تا روح آزادی را در دل و جان مخاطبان خود بنهد و به آنها رهنمود دهد که به خدا متکی شوند و علیه کسانی که، بر خلاف خلقت، آزادی‌های آنان را به مسلخ زرو زور و تزویر می‌کشند دست به شورش بزنند. و ۳- در این کلام اساس و شالوده حریت و آزادی «جعل الهی» و یا سنت و نظام فطری و طبیعی انسان دانسته شده که بسی عمیق‌تر و ریشه‌دارتر از زادن از مادری و یا آغاز حیات جنینی است.^{۱۲}

بر اساس مدل «عدم پیوستگی رشد»، که در آغاز نوشته بدان اشاره کردیم، و با توجه به مسأله آزادی به صورت حقی از حقوق جوانان و نوجوانان لازم است در سطح این بحث یادآور شویم که با سپری شدن دوران کودکی فرد به مرحله نوجوانی گام می‌نهد و آن حالت آرامش و وابستگی، که از ویژگی‌های دوران اول است، جای خود را به بی‌ثباتی و تمایل به عدم وابستگی، و یا استقلال، که از ویژگی‌های دوران اخیر است، می‌سپارد و این سرآغاز استیفای یک حق است. به عبارت دیگر، تمایل به آزادی و حریت با سرشت نوجوان و جوان آمیخته شده و یکی از مطبوع‌ترین و گوارترین تمایلات طبیعی او است. او در این مرحله می‌کوشد تا مرزهای حمایت خانواده را در هم نوردد و با به پشت سر گذاشتن این حمایت فراگیر و همه جانبه از بند ناف خانواده جدا شود و ورود خود را به فضای باز آزادی و بدست گرفتن سرنوشت خویش جشن بگیرد! او می‌خواهد خود در مسائل خویش بیندیشد، خود راه چاره و طریق حل مشکل را بیابد، خود عمل کند، و خود نیز به ارزیابی و داوری بپردازد.

تکلیف خانواده و نهادهای فرهنگی و آموزشی در استیفای این حق به وسیله ذوی الحقوق یا صاحبان حق روشن و در عین حال بسیار سنگین است: اینان وظیفه دارند جوان را کمک کنند تا بدین خواسته و یا حق طبیعی خود برسد و آزادی و استقلال را، همراه با مسئولیت و حفظ روابط اجتماعی و

